

تحولات اجتماعی و جامعه مطلوب از منظر امام خمینی

□ جهانگیر قاسمی

مقدمه

یکی از مقوله‌های ویژه و مورد توجه امام راحل مقوله جامعه است. در بینش اجتماعی و سیاسی حضرت امام جامعه خوب و بد وجود داشت که هر کدام دارای ویژگی‌هایی می‌باشد. ایشان طالب جایگزینی جامعه بد به جامعه خوب بوده‌اند. و جامعه مطلوب خود را «مدینه فاضله» می‌نامند و آنرا یکی از مقاصد بزرگ انبیاء عظام در طول تاریخ حکومت اسلام می‌دانند و در این راه وحدت را وسیله نیل به آن و ظلم و فساد را وسیله خرابی آن می‌دانند:

«یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام - سلام الله علیهم - که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب مدینه فاضله است و این مقصد بزرگ که مصلح اجتماعی و فردی است انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه بطوری شوند که نوع بنی‌آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضاء و اجزاء آن باشد و تمام کوششها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند.»^۱

الف: آسیب‌های جامعه

حضرت امام یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی جامعه را در «عدم تشکیل حکومت حق»

می‌داند در این خصوص می‌فرماید:

«از اول مسلمین و اسلام گرفتار هواهای نفسانی‌ای بوده‌اند و این گرفتاریها که ما الآن داریم سرچشمه‌اش همان هواهای نفسانی بود که بعد از رسول اکرم -صلی‌الله علیه و آله و سلم - بواسطه آن هواها نگذاشتند، که حکومت حق تشکیل بشود. اگر گذاشته بودند که حکومتی که اسلام می‌خواهد، حاکمی را که خدای -تبارک و تعالی - امر به تعیینش فرموده است، رسول اکرم -صلی‌الله علیه و آله و سلم - تعیین فرمود، اگر گذاشته بودند که آن تشکیلات پیش بیاید، حکومت اسلامی باشد، حاکم، حاکم منتخب منصوب من قبل الله تعالی باشد، آنوقت مردم می‌فهمیدند که اسلام چیست و معنی حکومت اسلامی چیست»^۲

این یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی سیاسی است که جوامع اسلامی با آن روبرو

بوده و هستند چنانکه حضرت امام می‌فرماید:

«اینها همه برای این بود که ما قیام و رئیس و تشکیلات رهبری نداشتیم.»^۳

حضرت امام در تحلیل عمیق‌تر، علت این آسیب اجتماعی و سیاسی را معلول «هواهای نفسانی» و «ترک قیام برای خدا» می‌داند. از عبارت ایشان می‌توان چنین نتیجه گرفت که هواهای نفسانی نگذاشتند حکومت حق تشکیل شود و علت گرفتاریهای مسلمانان از نظر تاریخی همانا هواهای نفسانی است. آسیب‌شناسی شیعیان ایران در دوره متأخر در نظر امام شبیه به نظر ایشان در مورد آسیب‌شناسی تاریخی است. در این مورد نیز اساسی‌ترین آسیب در جامعه «غلبه حکومت باطل» و «عدم تشکیل حکومت حق» می‌باشد که این امر اجتماعی سیاسی در «ترک قیام برای خدا»، «قیام برای نفس» و «قیام برای منافع شخصی» ریشه دارد.

«... خودخواهی و ترک قیام برای خدا، ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر

ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده...»^۴

از دیدگاه امام علل عدم تشکیل حکومت حق به شرح ذیل می‌باشد:

۱- علت درونی: هواهای نفسانی که مانع تشکیل حکومت حق شد، و ترک قیام برای خدا که

موجب استمرار باطل شد.

۲- علت بیرونی: استعمارگران و زمامداران وابسته

با توجه به مطالب فوق به بعضی از آسیب‌های اجتماعی مورد تأکید امام اشاره می‌شود:

۱- تبلیغ جدایی دین از سیاست

یکی از اساسی‌ترین آسیب‌های ناشی از تبلیغات استعماری غرب، تبلیغ جدایی دین از سیاست می‌باشد. تلاش در این راه که اداره کشور به دور از ارزشها و هنجارهای دینی انجام گیرد و به مرور فرهنگ دینی از زندگی اجتماعی، سیاسی مردم کنار گذاشته شود و عالمان دینی در این امر دخالتی نداشته باشد.

«این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس... تأیید این امر را کرده است و اخیراً هم که راه شرق و غرب به دولتهای اسلامی باز شد، این امر در اوج خودش قرار گرفت که: اسلام یک مسائل شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمانان در سیاست دخالت کنند و نباید روحانیون وارد سیاست بشوند.»^۵

از دیدگاه امام این تبلیغ (آسیب) متعلق به همه قرون است که با آسیب‌های «وجود هواهای نفسانی»، «ترک قیام برای خدا» و «عدم تشکیل حکومت حق» همپایه است.

۲- تبلیغ علیه اسلام

بدنبال اولین آسیب که در واقع تبلیغ جدایی دین از زندگی، اجتماعی سیاسی است و به منظور تعمیق بخشیدن به آن، آسیب دیگری ایجاد شده تا اصل اسلام را نه تنها از دایره زندگی سیاسی و اجتماعی، بلکه از کل اندیشه و عمل انسان بیرون کند و آن «تبلیغ علیه اسلام» بود.

«مقدمه این است که اسلام را در نظر مسلمین از آن پایه‌ای که دارد، منحطش کنند، مسلمین را از اسلام جدا بکنند، به ذهنشان بیاورند که اسلام یک دینی است که آمده است، جامعه را خواب کند تا قدرتمندها بخورند این جامعه را منطق اینها این است. یعنی منطق نیست، حرف اینها این است و حرف هم روی این اساس است که می‌خواهند که با این کلام با این تبلیغات شما را جدا کنند از اسلام.»^۶

□ «یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام - سلام الله علیهم - که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است»

۳- از خودباختگی و ناامیدی

ناچیز و خوار شمردن مکتب و فرهنگ یک مردم و تزریق مکاتب و فرهنگهای دیگر به جای آن، ممکن است در شرایط خاصی منجر به «از خود باختگی» شود. حضرت امام این آسیب را بسیار جدی و مهم می داند. در این رابطه روح «یأس و ناامیدی» در انحطاط جوامع نیز بسیار مؤثر است.

«شرق خودش را به کلی در مقابل غرب... باخته است و گم کرده... مکتبش را گم کرده مکتب بزرگ اسلام که رأس همه مکاتب است... گم کرده است»^۷
«روح یأس و ناامیدی که به دست استعمار در ملتها حتی در رهبران اسلامی دمیده شده است. آنها را از فکر در چاره جویی بازداشته است.»^۸

۴- سلب معنویات از جامعه

جامعه مورد نظر حضرت امام جامعه‌ای مذهبی است که دارای ارزشهای معنوی خود می باشد. ایشان اساس ارزشهای معنوی را اسلام می دانند به هر حال، با وجود آسیب‌هایی که قبلاً طرح شد و جامعه «از خود باخته» به تدریج از ارزشهای معنوی و فرهنگ خود فاصله می گیرد و در نهایت آنها را از دست می دهد. حضرت امام این آسیب را از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی و سیاسی می داند در این خصوص می فرماید:

«معنویات این کشور را اینها از بین برده‌اند... هم معنویات را از ما گرفتند و قوای انسانی را و هم اقتصاد مملکت را از بین بردند و همه جهات مادی را، هم خیانت به مادیات کردند و هم خیانت

به معنویات و خیانتشان به معنویات عظیمتر بود از خیانتشان به مادیات.»^۹

۵- رواج گرایش به فساد

یکی از آسیب‌هایی که از طریق تبلیغات انجام می‌گیرد ترویج فساد و ارتشاء است که موجبات فساد در جامعه را به طرق مختلف مهیا می‌نماید. حضرت امام در این خصوص می‌فرماید: «آنقدر که جوانهای ما را این مطبوعات فاسد و آن مجله‌های فاسدتر و آن رادیو و تلویزیونهای فاسدتر به فساد کشیدند معلوم نیست که مراکز فساد آنقدر به فساد کشیده باشند، این مجلات بود و این مطبوعات و این رادیو و تلویزیون و تمام این رسانه‌های گروهی بود که جوانهای ما را... به طرف فساد کشاند.»^{۱۰}

ویژگیهای جامعه سالم

متفکرین جامعه‌شناس در بررسی آسیب‌های اجتماعی تصویری از خصوصیات و ویژگیهای جامعه سالم را ارائه می‌دهند که فهم آسیب‌شناس و ارائه راه‌حلهای از نظر هر متفکر به شناخت تصورش از جامعه مطلوب و سالم خود است در این قسمت ویژگیهای مطلوب جامعه سالم از دیدگاه امام خمینی بیان می‌شود:

۱- تبدیل شدن به انسان اسلامی

امام خمینی وضعیت قابل قبول و سالم برای یک جامعه را زمانی می‌داند که مردم آن جامعه به «انسان اسلامی» تبدیل شوند از دیدگاه ایشان برای تبدیل شدن، انسانهای اسلامی سه مرحله وجود دارد:

الف) اسلامی شدن عقاید

ب) اسلامی شدن اخلاق

ج) اسلامی شدن عمل

حضرت امام در این مورد می‌فرماید:

«... پیروزی این نیست که ما فقط طاغوت را از بین ببریم، پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی، اسلامی که همه کارهایمان، همه عقایدمان، همه اخلاقمان، همه اسلامی باشند.»^{۱۱}

۲- سعادت انسانها

مبحث «سعادت انسانها» در فلسفه سیاسی معاصر تعریف ویژه‌ای دارد که هدف غائی همه دولت‌ها و ایجاد بستری جهت رسیدن به سعادت انسانها است. حضرت امام چنین نگرشی را دارند: «از همه استمداد می‌کنم که با هم پیوستگی همه‌جانبه در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است کوشا باشند.»^{۱۲}

۳- برقراری و بسط عدالت اجتماعی

برقراری «عدالت اجتماعی» از دیگر ویژگیهای یک جامعه سالم می‌باشد که از اهداف بسیاری از تحولات محسوب می‌شود:



«در راه اهداف مقدسه اسلام که در رأس آن «بسط عدالت اجتماعی» و رفع بیدادگریها و بی‌فرهنگیهاست، کوشش می‌کنید.»^{۱۳}

۴- کسب استقلال روحی

حضرت امام خودباختگی را یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی و سیاسی جوامع می‌داند و به همین دلیل باز یافتن استقلال روحی را لازمه یک جامعه مطلوب می‌داند. «باید کوشش کنید آنچه را از دست داده‌اید، در طول مدت حکومت‌های دست‌نشانده که مهمتر از همه «استقلال روحی» است... باز یابید.»^{۱۴}

ایجاد بستر اجتماعی مناسب جهت تربیت انسانی اسلامی

شرایط و ویژگیهای یک جامعه سالم که زمینه‌ساز تربیت انسان اسلامی است در صفحات قبل نقل شد در این بخش نیز شرایط لازم در خصوص تربیت انسان اسلامی بیان می‌شود. حضرت امام راههای اصلاح جوامع آسیب‌دیده را در چند نکته طبقه‌بندی می‌نمایند:

الف: تبلیغ و تعلیم

ایشان اولین تلاش اصلاحی را در تبلیغ و تعلیم «ارزشهای مورد قبول» می‌داند:

«اولین فعالیت ما را در این راه، تبلیغات تشکیل می‌دهد... در همه عالم و همیشه همینطور بوده است. چند نفر با هم می‌نشستند، فکر می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند و به دنبال آن تبلیغات می‌کردند.»^{۱۵}

ب) تهذیب

حضرت امام تهذیب را شرط اولیه برای امکان گسترش ارزشهای مطلوب می‌داند، لذا همه خصوصاً جوانان را به پرهیز از آسیب‌های ایجاد شده سفارش می‌کردند.

«باید جوانهای تحصیل کرده از این هیاهوی اجانب خود را نیازند و سرگرم بساط عیش و نوشی که به دستور استعمار برای آنها و عقب نگهداشتن آنها فراهم شده است نگردند.»^{۱۶}

□ حضرت امام، آسیبهای اجتماعی و سیاسی را معلول هواهای نفسانی و ترک قیام برای خدا می‌داند

متغیرهای نظام

وقتی صحبت از تغییر در جامعه مطرح است باید مشخص گردد که چه چیزی باید تغییر کند یا متغیر کدام است؟ امام خمینی به سؤال فوق به درستی پاسخ گفتند: ایشان متغیرها را نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی، نظام آموزشی، نظام قضایی، محتوا و عملکرد نظام، ارزشهای مورد قبول و تغییر روحیه مردم مطرح فرمودند:

«مطلب مورد نظر این است که نظامی که مخالف نظام اسلام است، در همه چیز هم فرهنگش برخلاف نظام اسلام است، هم ارتشش و هم اقتصادش و هم سیاستش بایستی منقلب شود و نظام اسلامی تحقق پیدا کند.»^{۱۷}

«اینک کشور بر سر دو راهی مرگ و حیات، آزادی و اسارت، استقلال و استعمار، عدالت اقتصادی و استثمار قرار گرفته است. این حکومت، حیات ملی را باید نجات دهد، به مردم کشور، آزادی و به کشور استقلال را بازگرداند و به جای نظام استثماری عدالت اقتصادی را برقرار سازد.»^{۱۸}

تغییر محتوا و عملکرد نظام

در اندیشه حضرت امام، تغییر نظام از این حیث مطلوب است که موجب تغییر عملکرد و محتوا شود:

«مجرد بودن رژیم اسلامی، این مقصد نیست. مقصد این است که در حکومت اسلامی، اسلام حکومت کند قانون حکومت کند...»^{۱۹}

الآن چشم همه متفکرین دنیا تقریباً دوخته شده است به ایران... الآن که جمهوری اسلامی در ایران مستقر شده است... آیا این نظام اسلامی در ایران چه اثری داشته است؟ همان مسائل سابق است... یا خیر... محتوا هم تغییر کرده است؟»^{۲۰}

امام خمینی در مورد تغییر ارزشها می فرماید:

«ان شاءالله مبارزه با فساد می کنیم... مطبوعات را اصلاح می کنیم؛ رادیو را اصلاح می کنیم، تلویزیون را اصلاح می کنیم، سینماها را اصلاح می کنیم، تمام اینها به فرم اسلام باید باشد، تبلیغات، تبلیغات اسلامی... حدود اسلام را جاری می کنیم. خوف از اینکه غرب نمی پسندد نمی کنیم... تمام آثار غرب را - تمام آثار فاسده، نه آثاری که تمدن است - تمام اخلاق فاسده غربی را، تمام نغمات باطله غربی را خواهیم زدائید. ما یک مملکت محمّدی ایجاد می کنیم.»^{۲۱}

عوامل و شرایط تغییرات اجتماعی

از منظر حضرت امام عواملی چون: نحوه توزیع قدرت و نظام تقسیم کار، جنبه‌ها و امور سازمانی، عناصر فرهنگی، امور غیبی، امور معنوی، اراده و نصرت الهی و... را می توان عوامل و شرایط تغییرات اجتماعی دانست.

الف) نحوه توزیع قدرت و نظام تقسیم کار

۱- ظلم

از دیدگاه امام «ظلم شدید» می تواند یکی از عوامل اصلی تغییرات اجتماعی باشد: «یکی از [عواملی] که موجب پیروزی شماها شد، همین زیادی ظلم و زیادی اختناق که این اختناق وقتی زیاد شد، انفجار از آن پیدا می شود...»^{۲۲}

۲- نفوذ و دخالت خارجی

از دیدگاه امام نفوذ و دخالت بیگانگان در تصمیم گیری نظام گذشته یکی از عوامل تغییر اجتماعی است:

«اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت. یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگریهای خارجی و داخلی و اختناقهای فوق العاده که در ظرف پنجاه و چند سال ایران و ملت ایران یک روز خوش ندید.»^{۲۳}

۳- اختلاف طبقاتی

حضرت امام اختلاف طبقاتی را عاملی در جهت نارضایتی مردم و سوق دادن آنان به

□ «از همه استمداد می‌کنم که با هم پیوستگی همه‌جانبه در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است کوشا باشند»

مخالفت با نظام سیالی حاکم و گرایش به سمت ایدئولوژی و تشکیلات مخالف می‌داند:
«این کاخهای مجلل، آسمانخراش و آن کامجوییهای رؤیایی سلاطین جور و حکومت‌های باطل که با دسترنج ملتها فراهم شده است، مردم را به سوی حزبهای منحرف می‌کشاند.»^{۲۴}

ب) جنبه‌ها و امور سازمانی

حضرت امام بر هم خوردن نظام سیاسی جامعه را یکی از عوامل تغییر می‌داند. ایشان در موارد فراوانی روی کار آمدن «رضا خان» توسط انگلیس را از نشانه‌های تغییرات اجتماعی جامعه ایران می‌داند و در مقابل از ثبات نظام سیاسی به عنوان مانع تغییرات یاد کرده است.

ج) وضعیت نظام آموزشی و تربیتی جامعه

از دیدگاه امام در نظام آموزشی و تربیتی جامعه از عوامل مؤثر در تعیین وضعیت جامعه است در این خصوص می‌فرماید:

«منشأ همه گرفتاریهای یک کشور از دانشگاه هست و حوزه‌های علمی و منشأ همه سعادت‌ها، مادی و معنوی از دانشگاه است و حوزه‌های علمی... اگر دانشگاه فاسد بشود، یک کشور فاسد می‌شود.»^{۲۵}

د) عناصر فرهنگی

۱- آگاهی و بیداری مردم

حضرت امام آگاهی و بیداری مردم علی‌الخصوص نسل جوان، روشنفکران و تحصیلکردگان را یکی دیگر از عوامل تغییر در جامعه می‌داند. ضمن اینکه آگاهی در عمل تأثیر می‌گذارد.

«نقطه روشنی که در این آخر عمر برای من امیدبخش است. همین آگاهی و بیداری نسل جوان و نهضت روشنفکران است که با سرعت در حال رشد است و با خواست خداوند تعالی به نتیجه قطعی که قطع ایادی اجانب و بسط عدالت اسلامی است، خواهد رسید.»^{۲۶}

۲- رشد سیاسی

همان‌طور که اشاره شد رشد سیاسی یکی از عوامل اصلاح و تغییر در جامعه می‌باشد: «لکن آنچه موجب امید و آرامش است، طلوع بیداری ملت و «رشد سیاسی» طبقات مختلفه است. از رشد ملت است که نقشه‌های شوم اجانب که به دست شاه باید اجرا شود، مواجهه با مخالفت ملت می‌شود.»^{۲۷}

۳- توجه به مصائب و مشکلات

چنانکه قبلاً در مبحث «آگاهی و بیداری مردم» مطرح شد آگاهی بر ظلمها و فسادها و مشکلات از عوامل بسیار مهم در اصلاح جامعه می‌باشد: جنایات آنها اوج گرفت، ملت هم کم‌کم طاقتش تمام شد و انقلاب کرد.»^{۲۸}

۴- تبلیغات

از دیدگاه امام تبلیغات می‌تواند هم در اصلاح جامعه و هم در تخریب جامعه مؤثر باشد: «آقایان خیال نکنند که مطلب تمام شد، حال باید دیگر رها کنیم. خیر مطلب مهم است و از این به بعد همه با هم باشیم. تبلیغات ما باید قوی‌تر باشد از سابق...»^{۲۹}

۵- مخالفت ملت

اعتراضات دسته‌جمعی و مخالفت‌های عمومی از دیدگاه امام نیز یکی از راههای تغییر و انقلاب می‌باشد.

«از رشد ملت است که نقشه‌های شوم اجانب که به دست شاه باید اجرا شود مواجهه با مخالفت ملت می‌شود.»^{۳۰}

«اگر ملت یک وقتی نارضایتی پیدا کرد، اگر امروز صحبت نکنند چند روز دیگر صدایشان درمی‌آید... آن روزی که ملت صدایش دربیاید دیگر نمی‌تواند یک قدرتی با آن مقابله بکند...»^{۳۱}

امور غیبی، امور معنوی، اراده و نصرت الهی

از دیدگاه حضرت امام امور معنوی، امور غیبی و اراده و نصرت الهی می‌تواند یکی از عوامل تغییرات اجتماعی در جوامع اسلامی باشد.

«شما با توجه به خدا، با توجه به ائمه اسلام، با توجه به قرآن، این سدها را شکستید، سدهایی که همه گمان می‌کردند ممتنع است، شکستن آن... حسابهای مادیین باطل شد... غیرمعقول بود. یک ملتی که هیچ ندارد، بر قدرتهایی که همه چیز دارند، غلبه کند.»^{۳۲}

«این دست غیب است که این تحولات را در کشور ما ایجاد کرده است. اگر شما گمان کنید که تمام بشر و تمام قوای انسانی جمع بشوند و بتوانند یک قلب را تحویل و تحویل بدهند، هرگز نخواهد شد. این خداست که در یک شب کانه قلبهای این ملت را متحول کرد و تمام این ملت را در مقابل آن قدرتهای بسیار عظیم شیطانی به ایستادگی واداشت و دست همه قدرتها را از کشور شما کوتاه کرد و این قدرت الهی است که به جنگزده‌های ما، به عزیزان ما... قدرت عنایت کرده است... این ملت را خدای تبارک و تعالی با دست عنایت خودش و با قدرت کامله خودش قدرتمند کرد و متحول کرد...»^{۳۳}

نتیجه‌گیری

تحولات اجتماعی مجموعه‌ای از تغییرات بنیادی در یک جامعه است که لزوماً یک پدیده جمعی است که شرایط و شکل زندگی یا زمینه فکری و روحی بخش وسیعی از یک جامعه را دگرگون می‌سازد. تحولات اجتماعی از نکات بسیار برجسته و مورد توجه حضرت امام بوده است. در بررسی آثار و اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام عنصر دگرگونی ارزشها و وصول به جامعه مطلوب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانکه انقلاب اسلامی ایران با رهبری ایشان و با پشتوانه دینی و اعتقادی و با ایجاد دگرگونی و تغییرات اساسی در افکار و عقاید و ارزشهای انسانی منشأ تغییرات و تحولات اجتماعی شد. از نگاهی دیگر ایشان با تمسک به روشهای مسالمت‌آمیز و پرهیز از خشونت‌گرایی، از جمله تبلیغات، تظاهرات و اعتصابات، حرکت ارزشی جمعی را در جهت وصول به جامعه مطلوب، سامان داد. از دیدگاه امام، اساس تحولات و تغییرات اجتماعی و حرکت به سوی جامعه اسلامی ایده‌آل آگاهی و بیداری مردم است. امید است همواره همه آزادگان جهان با بهره‌گیری اندیشه‌های تابناک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گامی در جهت تحولات اجتماعی و جستجوی جامعه مطلوب بردارند.

پس نوشتها:

۱. چهل حدیث، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
۲. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲، ص ۳۵۸.
۳. ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۱.
۴. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ص ۲۲.
۵. همان منبع، ج ۱۶، ص ۳۸۸.
۶. همان منبع، ج ۴، ص ۳۱۸.
۷. همان منبع، ج ۱۲، ص ۱۰۹.
۸. همان منبع، ج ۲، ص ۲۵۳.
۹. همان منبع، ج ۹، ص ۲۴۵.
۱۰. همان منبع، ج ۱۳، ص ۱۵۶ - ۱۵۷.
۱۱. همان منبع، ج ۸، ص ۲۷۱.
۱۲. همان منبع، ج ۳، ص ۳۲۷.
۱۳. همان منبع، ج ۳، ص ۱۱۳.
۱۴. همان منبع، ج ۲، ص ۳۴۶.
۱۵. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۶. همان منبع، ج ۴، ص ۴۵۶.
۱۷. همان منبع، ج ۴، ص ۳۵۸ - ۳۵۹.
۱۸. همان منبع، ج ۸، ص ۲۷۱ - ۲۷۲ و ۲۸۱.
۱۹. همان منبع، ج ۲، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.
۲۰. همان منبع، ج ۸، ص ۴۴۳.
۲۱. همان منبع، ج ۲، ص ۳۴۶.
۲۲. همان منبع، ج ۸، ص ۸۵.
۲۳. همان منبع، ج ۱۳، ص ۴۱۴.
۲۴. همان منبع، ج ۳، ص ۱۱۴.
۲۵. همان منبع، ج ۷، ص ۳۴۴.
۲۶. همان منبع، ج ۶، ص ۲۸۴.
۲۷. همان منبع، ج ۳، ص ۱۱۳.
۲۸. همان منبع، ج ۲، ص ۳۱۳.
۲۹. همان منبع، ج ۶، ص ۲۸۴.
۳۰. همان منبع، ج ۱۵، ص .
۳۱. همان منبع، ج ۷، ص ۱۳۶.
۳۲. همان منبع، ج ۱۵، ص ۳۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی